نگاهی به انگیزه ها و برنامه های پنتاگون

میم . الف. امینیان
Mfk2005@gmail.com

برچیدن پایگاههای ارتش آمریکا

اشاره:
«دونالد رامسفلد»، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا اعلام کرد: با عمل به توصیه های وی در راستای تعطیل کردن برخی پایگاه های ارتش و ایجاد تغییرات در برخی دیگر، می توان ظرف مدت ۲۰ سال، رقمی حدود ۴۹ میلیارد دلار صرفه جویی کرد. سال گذشته، هنگام اعلام برنامه ریزی پنتاگون برای تغییر آرایش نیروهای نظامی آمریکا، با توجه ویژه به بازآرایی این نیروها در اطراف و درون خاورمیانه را در ضمیمه تحلیلی «ایران دیپلماتیک» مورد بررسی قرار دادیم. در این نوشتار، بخشی از واکنش های درون آمریکا و برنامه های جاه طلبانه پیش روی را بررسی می کنیم.

پس اندازها و مقاومت ها

کمیسیون مستقل برچیدن پایگاهها، مرجعی است که دونالد رامسفلد پیشنهاد تعطیلی دهها پایگاه را به آن ارائه کرده است. شماری از پایگاهها که تعطیل نمی شوند، شاهد اعمال تغییراتی در اندازه و نوع وظیفه محوله خواهند بود.

وزیر دفاع دولت «جورج بوش» در کنفرانس خبری که در ارتباط با توصیه های وی برای برچیدن شماری از پایگاههای ارتش برگزار شده بود اعلام کرد که به وجود حساسیت ها و مخالفت ها در قبال توصیه های خود واقف است. روی این سخن با آن هزاران خانواده هایی است که در نتیجه تعطیلی پایگاهها، آسیب خواهند دید.

در داخل آمریکا، ۴۲۵ پایگاه در خدمت نیروهای مسلح قرار دارند. کارشناسان نظامی می گویند صرف نظر از هزینه نگهداری این پایگاهها، نکات منفی دیگری نیز هست که با کاهش دادن تعداد و کوچک کردن وسعت برخی دیگر می توان تغییرات مثبتی ایجاد کرد. مشترک کردن پایگاههای نیروهای فعال با نیروهای ذخیره یکی از این نکات محسوب می شود. اما بحث اصلی بر سر اقتصاد نیروهای مسلح است.

رامسفلد معتقد است عمل به توصیه های مندرج در برنامه وی برای تعطیلی پایگاهها و بازآرایی برخی دیگر می تواند رقم خالص ۴۸/۸ میلیارد دلار را در جیب پنتاگون نگه دارد. به گزارش آسوشیتدپرس، وزارت دفاع معتقد است جمع رقم یاد شده با صرفه جویی حاصل از بازآرایی نیروهای آمریکایی مستقر در خارج از این کشور می تواند در مجموع به پس انداز ۶۴/۲ میلیارد دلار منجر شود.

دیدگاه وزارت دفاع در تلاش برای تعطیل ساختن شماری از پایگاهها آن است که تعداد پایگاهها بیش از نیاز ارتش ۱/۴ میلیون نفری آمریکاست. براساس این دیدگاه، برخی تحلیلگران نظامی پنتاگون معتقد بوده اند که ارتش آمریکا با مازاد پایگاههای فعال مواجه است. براساس برآوردها، مازاد پایگاههای موجود با نیروهای فعال حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد می باشد.

پس از پایان جنگ سرد و برهم خوردن آرایش نیروهای بلوک شرق و بویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این دیدگاه ظهور کرد که تهدید نیروهای متعارف علیه آمریکا کاهش استراتژیکی را نشان داده است و می توان نیروهای فعال و پایگاههای مورد نیاز برای عملیاتی نگاه داشتن نیروهای فعال را کاهش داد. با این حال کنگره آمریکا از اواخر دهه ۹۰ میلادی در مقابل طرح بستن شماری از پایگاههای نظامی مقاومت کرده است.

یک علت عمده برای مقاومت نمایندگان کنگره آن بوده و هست که در برخی ایالات تعداد زیادی از خانوارهای ساکن از بسته شدن پایگاهها آسیب شغلی و مالی می بینند. لذا دولت های ایالاتی که پایگاههای نظامی در آنها اشتغال را تاحدود زیادی تأمین و چرخه مالی امور را می گردانند، بشدت با طرح بسته شدن پایگاهها مخالفت می کنند.

اما وجود این مقاومت ها نمی تواند باعث شود تا صرفه جویی ها و بهبود کیفیت عملکرد نیروهای نظامی دست پایین تر را در تصمیم گیری ها پیدا کند. آخرین باری که تعداد قابل توجهی از پایگاههای ارتش آمریکا تعطیل و مشمول بازآرایی شدند، سال ۱۹۹۵ بود که ۲۷ پایگاه بزرگ تعطیل شدند. در این برنامه، ۲۲ پایگاه مشمول تغییرات شده و بر اساس محاسبات پنتاگون، صرفه جویی های حاصل از این تحول در جمع با برنامه های مشابه در سال های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۱ به پس انداز رقم خالص ۱۸ میلیارد دلار برای ارتش منجر شدند.

البته اجرای این تغییرات خود در ابتدا دارای هزینه هایی است که دست کمی از هزینه حفظ پایگاهها ندارد. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۱، هزینه اعمال تغییرات در برخی پایگاهها رقمی حدود ۶/۵ میلیارد دلار بود. این رقم از صرفه جویی ۶/۲ میلیارد دلاری به دست آمده بیشتر هم بود. اما در میان و دراز مدت، صرفه جویی ها خود را به شکل ملموسی در بودجه و هزینه ها نشان می دهند.

صرفه جویی برای پرخرجی های پیش رو

این صرفه جویی ها خود نشان از حاکم شدن دیدگاه طرفدار تغییر آرایش نیروها به تناسب تهدیدات و ماهیت آنها در دورانی دارد که تکنولوژی سهم قابل توجهی از وظایف عامل انسانی در عالم متعارف نیروهای مسلح را برعهده گرفته است. اما صرف نظر از این تحول عمومی، برنامه های جدید و پر هزینه ای نظیر پژوهش و تولید نسل جدیدی از سلاح ها (از جمله تسلیحات هسته ای) و به کارگیری آنها در ظرفیت و اشکال جدید، از جمله عواملی هستند که در محاسبات نهفته در روای کاهش تعداد پایگاهها نقش بازی می کنند.

به عنوان مثال، انتظار می رود ظرف چند هفته آینده، جورج بوش دستورالعملی را امضا کند که به موجب آن، نیروی هوایی آمریکا چراغ سبز برای ساخت تسلیحات فضایی را دریافت می کند. در این برنامه فضایی که به عقیده تحلیلگران، به مسابقه تسلیحاتی جدیدی در جهان دامن خواهد زد، مبالغ کلانی صرف ماهواره های گوناگون شده و طیف متنوعی از انواع سلاح های استفاده کننده از لیزر، امواج رادیویی و سیستم جدید بمباران لوله ای در مدار زمین قرار خواهند گرفت.

به نوشته روزنامه «گاردین» چاپ لندن، معاون «مرکز اطلاعات دفاعی» آمریکا می گوید: این نخستین بار در طول تاریخ خواهد بود که نیروی هوایی این کشور اجازه استفاده تسلیحاتی از فضا را به دست خواهد آورد و در عین حال، به یک مسابقه تسلیحاتی در فضا، میان کشورهای جهان، دامن خواهد زد.

با در نظر گرفتن این اقدام می توان بخش اقتصادی تلاش برای برچیدن شماری از پایگاههای متعارف ارتش در ایالات مختلف آمریکا را درک کرد. در حال حاضر ارتش آمریکا از ناحیه هزینه چند ۱۰ میلیارد دلاری اداره کشور بحران زده عراق و نیز هزینه ۱۰ میلیارد دلاری حفظ نظامیان این کشور در افغانستان، تحت فشار قرار دارد. به این تصویر باید هزینه برپا کردن سیستم دفاع ضد موشک های بالستیک را نیز اضافه کرد که با روی کار آمدن جورج بوش آغاز شد، اما بخشی از اجزای این برنامه در آزمایش های مربوطه به دیوار ناکامی برخورد کرده اند.

با وجود تنگناهایی که ارتش آمریکا به خاطر گستردگی وظایف با آنها روبروست، در عین حال، هیچ کشوری در جهان از توان و قدرت حضور نیروهای نظامی آمریکا برخوردار نیست. از نظر برنامه ریزان نظامی، واشنگتن باید تمامی توان خود را برای حفظ برتری در حوزه هایی نظیر فضا به کار گیرد. از این نگاه، ایالات متحده به واسطه برخورداری از طیف متنوعی از ماهواره های جاسوسی، ارتباطاتی و رهگیر، در موقعیت بی نظیری قرار دارد و لذا باید تسلط کامل این کشور بر حوزه جدیدی از آرایش جدید نظامی برقرار گردد. این حوزه جایی نیست مگر مدار کره زمین.

در سال ۲۰۰۲ در یک سند پنتاگون آمده بود که چند دسته از حوزه های هدف در برنامه های جدید برای آمریکا عبارتند از برنامه کنترل فضا، جنگ ضد ماهواره، استقرار نیرو در فضا و حمله به اهداف زمینی از طریق تسلیحات مستقر در مدار زمین.

یکی از تسلیحات مورد نظر که از طریق استفاده از آینه های بزرگ برای تاباندن اشعه لیزر روی هدف کار می کند، برای هزینه برآیش حدود ۱۰۰ میلیون دلار هزینه روی دست پنتاگون می گذارد. این چنین سیستمی از نظر منتقدان روشی بسیار پرهزینه برای نابود کردن یک هدف از فضا به شمار می رود، اما این روش خود نشاندهنده بخشی از جاه طلبی های واشنگتن و برنامه ریزان پنتاگون نیز هست.

برای برآمدن از خرج چنین پروژه هایی، پنتاگون باید از حجم نیروهای مسلح آمریکا در قالب های مختلف پایگاه و پرسنل فعال بکاهد. از هزینه های سنگین حضور در کشورهایی مانند عراق و افغانستان خلاص شود و بتواند هر ساله سیاستمداران را نسبت به افزایش بودجه نظامیان متقاعد کند. از زمان طرح پدیده «انقلاب در امور نظامی»، پنتاگون همواره تلاش کرده است تا خود را با الزامات این پدیده و استفاده حداکثری از تکنولوژی تطبیق دهد.